

نویسنده: رضا مختاریپور

r\_m\_yazahra@yahoo.com

دانشجوی کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی

# گذری بر تاریخ کتابخانه های مدارس دینی از عهد نبوی تا پایان عصر صفوی

## چکیده:

کتابخانه های وابسته به مدارس دینی، با قدمتی به وسعت دین مبین اسلام، در زمره قدیمی ترین انواع کتابخانه ها در تمدن اسلامی بحساب می آیند. کنکاش در پیشینه و سیر تکامل کتابخانه های مدارس دینی، بواسطه نقشی که اینگونه کتابخانه ها در پیدایش کتابخانه های بعد از خود، به ویژه کتابخانه های عمومی، ایفا نموده اند، می تواند ما را به حقایق بسیاری در خصوص رابطه متقابل دیانت و کتابت و تأثیر آن بر فرهنگ حاکم بر ملل اسلامی رهنمون سازد. مقاله حاضر پیشینه کتابخانه های مذکور را از اولین مراحل تکوین و شکل گیری آن ها در عهد نبوی تا پایان سلسله شیعه مذهب صفوی در ایران دستمایه کار قرار داده است.

کلیدواژه ها: کتابخانه های حوزوی، مدارس دینی، دارالعلم، بیت الحکمه

## مقدمه

کتابخانه ها در پیدایش نخستین کتابخانه های عمومی و دانشگاهی در بلاد اسلامی و ماهیت چندگانه ای که همواره در طول تاریخ خود از آن برخوردار بوده اند، کنکاش در پیشینه و تاریخچه کتابخانه های حوزوی را ضرورت می بخشد.

در بررسی روند پیدایش و تکوین کتابخانه های وابسته به مدارس علمیه، سال ۴۵۹ هجری از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این سال، اولین مدرسه علمیه و کتابخانه وابسته به آن به سبک امروزی و به دست خواجه نظام الملک طوسی با نام مدرسه نظامیه تأسیس شد. در واقع سال مذکور را باید نقطه تحول و آغاز شکل نوین و سازمان یافته کتابخانه های حوزوی در تاریخ اینگونه کتابخانه ها بحساب آورد. از این رو، نگارنده، به جهت درک بهتر پیشینه و چگونگی سیر تحول این کتابخانه ها، با مبنا قرار دادن تاریخ یاد شده، تاریخچه کتابخانه های حوزوی را به لحاظ نوع و ماهیت آن ها در قرون مختلف، در سه دوره زمانی مجزا بحث می کند: دوره پیش از ظهور مدارس

کتابخانه به عنوان یکی از پایدارترین نهادهای اجتماعی، ریشه در دل تاریخ دارد و برای درک پیشینه و گذشته آن باید صفحات تاریخ را از زمانی که بشر، فرهنگ شفاهی خود را در قالب کلمات و نوشتار به فرهنگ مکتوب مبدل ساخت، جستجو کرد. رسالتی که هر یک از کتابخانه ها در طول تاریخ در قبال جامعه استفاده کننده خود برعهده داشته اند، در کنار برخی شرایط زمانی و مکانی، انواع مختلفی از کتابخانه ها را موجب گردیده است که هر یک با وظایف و نقش های خاص خود، در صدد جامعه عمل پوشاندن به اهداف سازمان مادر خود برآمده اند.

در این بین کتابخانه های وابسته به مدارس علمیه، با قدمتی معادل قدمت دین اسلام، در زمره یکی از قدیمی ترین و تأثیرگذارترین انواع کتابخانه ها در فرهنگ و تمدن اسلامی بشمار می آیند که اشکال گوناگون و تحولات بسیاری را از آغاز عهد نبوی تا عصر حاضر بر پیکره خود شاهد بوده اند. نقش اینگونه

نظامیه و کتابخانه های وابسته، دوره پس از ظهور مدارس نظامیه تا انحطاط سلسله صفوی در ایران، و دوره معاصر.

هریک از سه دوره یادشده دارای تقسیم بندی هایی است که در این مجال به هر یک از آن ها به شکلی جداگانه پرداخته می شود.

## ۲- دوره پیش از ظهور مدارس نظامیه و کتابخانه های وابسته

پیش از پیدایش و گسترش مدارس و کتابخانه های نظامیه، انواع خاصی از کتابخانه ها در بلاد اسلامی وجود داشته اند که از حیث نقش، اهمیت و میزان تأثیرگذاریشان، می توان آن ها را در زمره نخستین کتابخانه های حوزوی (البته در معنای امروزی) به حساب آورد.

### ۲-۱- کتابخانه های مساجد

#### ۲-۱-۱- اهمیت و نقش آموزشی مساجد

مسجد در لغت عرب به محلی اطلاق می شود که در آن سر را به نشانه بندگی و فروتنی در برابر معبود به خاک می گذارند. در مورد اولین محلی که بعنوان مسجد در اسلام جهت انجام فرائض دینی بنا گردید، میان تاریخ دانان و عالمان دین اختلاف نظر وجود دارد. اما اکثریت علما بر این موضوع اتفاق نظر دارند که مسجدی را که پیامبر اکرم (ص) بهنگام هجرت خود از مکه به مدینه در نزدیکی محلی بنام قبا بنا نهاد، باید اولین مسجد در جهان اسلام بحساب آورد. پس از آن، به فاصله کمی بعد از اقامت پیامبر در مدینه، به فرمان او مسجد دیگری با یاری و مهاجرین و انصار و نظارت مستقیم شخص پیامبر در این شهر تأسیس شد. از این تاریخ به بعد، مسجد، به عنوان یک نهاد نوظهور، از اهمیت بسزایی در میان مسلمانان برخوردار گردید. در اوان ظهور دین اسلام و در شرایطی که هنوز این آیین نوخاسته، آنگونه که باید و شاید قوام و استحکام نیافته بود، و از طرفی نیاز به آموزش تعلیم اسلام و آشنا ساختن مسلمانان با آموزه های قرآن احساس می شد، پیامبر مسجد را پایگاه اصلی فعالیت های سیاسی و آموزشی خود قرار داد. از این رو، مساجد در کنار محل عبادت و اجتماع مسلمانان و اتخاذ تصمیمات حکومتی، به محلی جهت آموزش و فراگیری تعلیم و آموزه های قرآنی اسلام مبدل گردید.

از این رو، از بدو ظهور دین اسلام، آموزش در

جامعه اسلامی با مسجد پیوندی ناگسستنی داشته است. مکی السباعی در کتاب "تاریخ کتابخانه های مساجد" از قول شلبی می نویسد: "از آنجا که تعلیم و تعلم مسلمانان در چند دهه اول عمدتاً درباره دستورات دینی مبتنی بر تعلیم دینی بود، درست آن بود که مساجد، که برای عبادت در نظر گرفته شده بودند، برای اهداف آموزشی مورد استفاده قرار گیرند" (مکی السباعی، ۱۳۷۳، ص ۴۵). از این رو مسجد را باید اولین پایگاه آموزش و قرآن را اولین کتاب آموزشی در اسلام بحساب آورد. هسته و چارچوب اصلی تعلیم و تربیت در مسجد، حلقه های درس بود. اعتقاد بر این است که پیدایش نظام حلقه های تعلیم و تعلم در اسلام (که امروزه در حوزه های علمیه رایج است و در جریان آن طلاب علوم دینی به صورت دایره وار می نشینند و به بحث و تبادل نظر می پردازند)، نشأت گرفته از حلقه های بحث مساجد در صدر اسلام است (همان، ص ۴۸).

با این حال، سنت آموزش در مساجد صرفاً به این دوره محدود نشد و مسجد موقعیت خود را به عنوان مرکز علم آموزی و تعلیم و تربیت همچنان در طول دوره های بعدی حفظ کرد. نظام آموزش در بسیاری از مساجد ساده بود. طلاب در حلقه های بحث به ترتیب رتبه می نشستند. به علت نبود کتب چاپی، مدرس ناچار بود تا قسمت هایی از درس و بحث را برای طلاب املاء کند. هنگامی که طلاب تحصیلات خود را با موفقیت به پایان می رساندند، گواهینامه ای مبنی بر حضور فعال و مستمر دانش آموختگان از سوی مدرس به آن ها اعطا می گردید که در اغلب مواقع تضمینی برای کسب و کار آینده آن ها قلمداد می گردید (همان، صص ۵۳-۵۴). حتی افرادی که در مساجد به تحصیل علوم و معارف اسلامی اشتغال داشتند در برخی مواقع شهریه نیز دریافت می کردند. مکی السباعی به نقل از واردنبرگ<sup>۱</sup> در این خصوص می نویسد: "در مسجد قرویین مراکش، طلاب نه تنها از پرداخت شهریه معاف بودند، بلکه در فواصل معینی به آن ها پول نیز پرداخت می شد" (همان، ص ۵۷).

### ۲-۱-۲- ظهور کتابخانه های مساجد

منابع آموزشی، از جمله کتاب، رکن اصلی آموزش در سطوح مختلف را تشکیل می دهند و به نوعی لازم و ملزوم یکدیگرند. به عبارت دیگر، وجود و بقای آموزش به وجود و بقای کتاب (در معنای عام کلمه)

کتابخانه باید همیشه برای قرائت، آموزش و مراجعه استفاده کنندگان در دسترس همگان قرار گیرد (مکی السباعی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۳)؛ به این معنی که استفاده و بهره گیری از منابع کتابخانه تنها در صورت مراجعه به افراد کتابخانه امکان پذیر است. از سویی دیگر، بعضی از واقفان، امانت دادن کتاب های خود را به بیرون از کتابخانه تنها در صورت مطالبه وجهی به عنوان وثیقه یا وجه الضمان جایز می شماردند. ابن خلدون، در خطاب به کتابخانه ای که کتاب خود «العبر» را وقف آن کرده بود تصریح می کند که کتاب مذکور را تنها به افراد درستکار و قابل اعتمادی امانت دهند که قادر به سپردن ودیعه ای زیاد باشند (همان، ص ۱۶۲).

نوشته ها حکایت از آن دارد که مسئولیت اداره امور کتابخانه های مساجد به عهده فردی بوده که او را با نام های متعددی همچون وکیل، ناظر، صاحب، قیم، محافظ، خازن یا امین می خواندند. مکی السباعی در کتاب «تاریخ کتابخانه های مساجد» به نقل از مکسنس در خصوص نحوه نگرش مسلمانان به شغل یاد شده چنین می نویسد: «مقام کتابدار در سرزمین های مسلمانان در طول قرون وسطی مقامی قابل احترام بوده است... این مقام را اغلب دانشمندان بزرگی اشغال می کردند که به دلیل آگاهی آن ها از کتب انتخاب می شدند. آنان شخصیت های مهم جامعه زمان خود بودند» (همان، ص ۱۶۷).

هر چند که کتابخانه های مساجد طی قرون بعدی هم همچنان به حیات خود ادامه دادند، اما دلایل متعددی همچون سلطه قدرت های بیگانه بر سرزمین های اسلامی، بی کفایتی مسئولان برخی کتابخانه ها، منازعات فرقه ای و عوامل طبیعی، از اهمیت و اعتبار آن ها به میزان قابل ملاحظه ای کاست (همان، صص ۱۸۳-۱۸۶). دومین نسل از کتابخانه های اسلامی که به نوعی در شکل گیری کتابخانه های حوزوی امروزی دخیل بوده، بیت الحکمه بغداد است که در ادامه به آن پرداخته می شود.

## ۲-۲- بیت الحکمه بغداد و کتابخانه آن

اگر بگوییم که تأسیس بیت الحکمه، این مرکز علمی- فرهنگی و کتابخانه آن، به عنوان الگویی، پایه های شکوفایی کتابخانه های اسلامی را در سال های بعد بنیان نهاد، شاید سخنی به گزاف نگفته ایم. در مورد تاریخ ساخت بیت الحکمه نظرات و اقوال متفاوت است. برخی تاریخ ساخت آن را به خلیفه هارون الرشید و برخی دیگر به مأمون نسبت می دهند. ویلکینز در

وابسته است و بروز هر گونه نقص در یکی، موجب ایجاد نقصان در دیگری خواهد شد. از این روست که در طول تاریخ، هر زمان که نهادی وظیفه مهم و خطیر آموزش را برعهده داشته، در جوار آن محلی نیز برای گردآوری، نگهداری و در دسترس قرار دادن کتب و سایر منابع در نظر گرفته شده است. مساجد، به عنوان اولین مراکز آموزش در اسلام، از این قاعده مستثنی نبوده اند. البته لازم به توضیح است که مجموعه کتابخانه های مساجد، در روزگاران آغازین عمدتاً از نسخه های قرآن تشکیل یافته بود. در ادامه، سنت وقف به کمک مجموعه کتابخانه ها آمد و بر غنای کمی و تنوع آن ها افزود. آورده اند که الحاکم بامرالله خلیفه فاطمی، ۱۲۹۸ نسخه از قرآن های نفیسی را که در قصر خود نگهداری می کرد به مسجدی اهدا نمود. در میان آن ها قرآن هایی وجود داشت که همه اش با آب طلا نوشته شده بود. وی ۸۱۴ نسخه قرآن را نیز در اختیار مسجد جامع ابن طولون قرار داد (محمود ساعاتی، ۱۳۷۴، ص ۶۹).

مجموعه کتابخانه های مساجد به طور کلی از سه طریق فراهم می آمد: نسخه برداری، خرید مستقیم و هبه. با این حال، کتاب های موجود در این کتابخانه ها عمدتاً از طریق وقف و اهدای فراهم می آمده است (مکی السباعی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳). شواهد و قرائن حکایت از آن دارد که کتابخانه های مساجد در مورد چگونگی و میزان استفاده از منابع کتابخانه رویکردهای متفاوت اتخاذ می کرده اند. از آنجایی که بخش عمده ای از منابع اینگونه کتابخانه ها از طریق وقف فراهم می آمده است، مسئولان کتابخانه ها برای امانت دادن کتاب ها پایبند شروطی بودند که واقفان در وقفنامه های خود قید می کردند. عموم کتابخانه های مساجد، استفاده از منابع را صرفاً در داخل خود کتابخانه اجازه می دادند و امانت کتاب به طور کلی ممنوع بود (این شیوه در حال حاضر در کتابخانه های حوزوی کم و بیش اجرا می شود و طلاب موظف به مطالعه کتب در داخل کتابخانه هستند). شلبی در کتاب «تاریخ آموزش در اسلام» در این خصوص می نویسد: «کتابخانه ها در جهان اسلام تنها برای خواندن و بررسی برپا می شدند و نه کتاب امانت دادن» (شلبی، ۱۳۶۱، ص ۱۳۶). نقل است که ابن حبان نیشابوری به هنگام وقف کتابهای خود به روشنی شرط کرد کتاب های وی به هیچ وجه نباید از کتابخانه بیرون یا به امانت برده شوند (همانجا). آورده اند که شاهزاده محمد ابودهب پس از تأسیس کتابخانه مسجدی در قاهره، صراحتاً عنوان می کند که کتاب های

یاد شده به لحاظ قدمت اولین نبوده است. در منابع، از دارالعلم موصل به عنوان اولین نمونه دارالعلم در جهان اسلام یاد شده است (الدیوه جی، ۱۹۸۲: به نقل از محمود ساعاتی، ۱۳۷۴، ص ۳۷). دارالعلم دیگری که پیش از دارالعلم شیعه مذهبیان فاطمیان در بلاد اسلام ایجاد شد دارالعلمی است که بنا بر شواهد تاریخی به همت ابونصر شاپور بن اردشیر در سال ۳۸۱ یا ۳۸۳ در بغداد تأسیس گردید. این کتابخانه و مرکز علمی قریب به ده هزار جلد کتاب را در خود جای داده بود. اهمیت و اشتیاق دارالعلم بغداد موجب شد تا طلاب، علما و مشاهیر علمی جهان اسلام جهت بهره گیری از مجموعه آن بدین مرکز جلب شدند که از آن جمله می توان به فیلسوف و شاعر، ابوالعلاء معری اشاره کرد (ابن قفطی، ۱۳۷۱: به نقل از چلونگر، ۱۳۸۳).

### ۲-۳-۱- دارالعلم قاهره: سنگ بنای نخستین

#### مدارس

از آنچه که در خصوص دو دارالعلم موصل و بغداد گفته شد تا حدودی بر می آید که دو مرکز یاد شده به احتمال زیاد خیلی بیشتر از آنکه ماهیتی آموزشی داشته باشند، ماهیتی علمی داشته اند؛ به این معنی که لفظ دارالعلم در مورد این دو مرکز صرفاً معادل کتابخانه و مجموعه کتب دربرگیرنده آن ها بکار رفته است. با وجود این، وقتی صحبت از دارالعلم قاهره به میان می آید، قضیه وجه دیگری به خود می گیرد. این کتابخانه به دلیل نقشی که<sup>۱</sup> در شکل گیری و اوج گیری کتابخانه های مدارس ایفاء نموده است از درجه اعتبار در تاریخ کتابخانه های حوزوی برخوردار است. این دارالعلم که در آغاز با نام دارالحکمه شناخته می شد، توسط الحاکم بامرالله خلیفه فاطمی در سال ۳۹۵ هجری قمری در قاهره مصر بنیان نهاده شد. این خلیفه عباسی پس از تثبیت قدرت سیاسی خویش و در پی رقابت با همتایان سنی مذهب عباسی اش، بر آن شد تا نهادی هم پایه و مشابه با بیت الحکمه بغداد در قاهره تأسیس نماید. هر چند که تأسیس دارالعلم قاهره در ابتدا به نیت همچشمی با خلفای عباسی صورت گرفت اما باید این نکته را یادآور شد که این مؤسسه علمی آموزشی در ادامه منشأ تحولاتی در زمینه کتابخانه های اسلامی گردید.

### ۲-۳-۲- بعد آموزشی دارالعلم قاهره

یکی از ابعاد دارالعلم قاهره، بعد آموزشی آن بود. به لحاظ فعالیت های آموزشی که در این مرکز انجام

مقاله خود با عنوان «کتابخانه های اسلامی تا سال ۱۹۲۰» عنوان می کند که هسته ساختار اولیه بیت الحکمه از کتابخانه شخصی معاویه اول، نخستین خلیفه سلسله اموی شکل گرفت و بعد در دوره جانشینان وی به رشد چشمگیری دست یافت (ویلیکینز، ۱۹۹۱). اما اغلب مورخان را اعتقاد بر این است که بیت الحکمه در دوران هارون و در خلال سال های ۱۷۰ تا ۱۹۳ هجری، یعنی دوره شکل گیری نهضت ترجمه از زبان های مختلف به عربی، پایه ریزی شده است. آورده اند که تعداد کتاب های موجود در این کتابخانه و مرکز علمی- آموزشی به چهارصد هزار عنوان می رسید (مزینانی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲). ساعاتی در کتاب «وقف و ساختار کتابخانه های اسلامی» درباره بیت الحکمه می نویسد: «در قرن دوم هجری نوعی مؤسسه علمی بنام بیت الحکمه ظهور کرد و از میان بخش های مختلف آن، کتابخانه بیش از بخش های دیگر مورد توجه گروهی از خلفای عباسی قرار گرفت...هدف اصلی تأسیس بیت الحکمه، کمک علما و پژوهشگران و فراهم آوردن منابع اطلاعاتی بیشتر و ایجاد تسهیلاتی برای علاقه مندان به کار تحقیق، مطالعه و تالیف و ترجمه بود» (محمود ساعاتی، ۱۳۷۴، ص ۳۴). همانگونه که از نقل قول بالا استفاده می شود، بیت الحکمه دارای بخش های مختلفی بوده است. طلاب علم می توانستند کتاب های مورد نیاز خود را در موضوعات مختلف در سالن هایی که جهت مطالعه کتب موجود در کتابخانه در نظر گرفته شده بود تروق کنند.

اما شهرت و اعتبار بیت الحکمه بیشتر در این حقیقت نهفته است که این مرکز علمی، به الگویی برای شکل گیری و گسترش نسل جدیدی از کتابخانه ها در تمدن اسلامی انجامید که به «دارالعلم» شهرت یافت و منعکس کننده عقاید شیعه مذهب فاطمیان مصر بود. ویلیکینز در این باره می نویسد: «در خلال قرن متلاطم دهم میلادی، نوع جدیدی از کتابخانه ها به شیوه بیت الحکمه به وجود آمد که آن را دارالعلم نام نهادند» (ویلیکینز، ۱۹۹۱).

### ۲-۳-۳- دارالعلم ها

همانگونه که پیش از این گذشت، طرح تأسیس دارالعلم ها، به عنوان نسل سوم کتابخانه های حوزوی، در امتداد ایجاد بیت الحکمه بغداد ریخته شد. هر چند که دارالعلم قاهره را مهم ترین مرکز آموزشی از این نوع دانسته اند، اما بررسی ها نشان می دهد که مرکز

می گرفته است، آن را از بزرگترین مراکز علمی قرن چهارم و پنجم بشمار آورده اند (هالم، ۱۳۷۷: به نقل از چلونگر، ۱۳۸۳). بخش علمی و آموزشی دارالعلم تا حدود زیادی همانند بیت الحکمه بود. در واقع جوهره نخستین این مرکز از بیت الحکمه گرفته شده است. کلیه مواردی که پیش از این در مورد بیت الحکمه از نظر گذشت، به غیر از کار ترجمه و تألیف کتاب، درباره این مرکز نیز صادق است. دانشمندان در این مرکز در مورد علوم مختلف به بحث می پرداختند. گویا در این مرکز، محل هایی به اسکان طلاب و دانشمندان اختصاص داده شده بود و حتی برای کسانی که در دارالعلم به تحصیل اشتغال داشتند نوعی مستمری ویژه بنام «سنیه» در نظر می گرفتند. ویژگی های اقامتی دارالعلم و تشکیل گروه های بحثی که به آموزش تعالیم مذهبی و مطالعات فرقه ای اختصاص داشت، موجب شد تا برخی از علما دارالعلم را منادی ظهور دانشگاه های اروپایی قلمداد کنند.

### ۲-۳-۳- بعد علمی دارالعلم قاهره

از شاخصه های دارالعلم قاهره کتابخانه عظیم آن بود که به فعالیت های آموزشی و پژوهشی آن صیغه خاصی می بخشید. هسته اصلی کتابخانه دارالعلم را کتاب های شخصی خلیفه تشکیل می داد که از محل قصر بدانجا منتقل شده بود. محمود ساعاتی به نقل از مقریزی در خصوص وضعیت دارالعلم می نویسد: «کتاب ها از گنجینه های کتب کاخ ها با شکوه به کتابخانه حمل شد. مردم و هر کس که می خواست مطلبی را از کتاب های موجود در کتابخانه، استنساخ یا مطالعه کند وارد آنجا می شد... در این کتابخانه از میان کتاب هایی که خلیفه مسلمین الحاکم بامرالله دستور داده بود تا از گنجینه های کتب خویش به آنجا حمل کنند، کتاب هایی اعم از علمی، ادبی و خطی وجود داشت که نزد هیچ یک از سلاطین دیده نشده بود. او همه آن ها را برای استفاده عموم و اقشار کتابخوان و اهل مطالعه و تحقیق، در اختیار آن ها قرار داد» (محمود ساعاتی، ۱۳۷۴، ص ۴۴). آورده اند که در سراسر جهان اسلام کتابخانه ای بزرگ تر از کتابخانه قاهره نبوده و از جمله شگفتی های این بوده که در آن ۱۲۰۰ نسخه از کتاب تاریخ طبری و غیره وجود داشته است. تعداد کتاب های این کتابخانه را یک میلیون و ششصد هزار جلد برآورد کرده اند (همان، ص ۴۶).

کتابخانه دارالعلم تا دوره مستنصر به همان شکل

دوران الحاکم به حیات خود ادامه داد ولی آشوب های دوران مستنصر این کتابخانه را نیز فرا گرفت. چلونگر از قول مقریزی در این باره می نویسد: «در سال ۴۶۱ هجری قمری سربازان و کارکنان حکومتی که مدت ها موجب آن ها به تعویق افتاده بود کاخ ها و خزانه خلیفه را غارت کردند. غارتگران کتابخانه دارالعلم را به کلی خالی از کتاب کردند... غلامان و کنیزان آن ها از جلد این کتاب ها برای خود کفش درست می کردند و اوراق آن ها را بجای هیزم در آتش می سوزاندند... بعضی از این کتب به دریا افکنده شد یا به نحو دیگری از میان رفت» (چلونگر، ۱۳۸۳). با وجود آنکه بخش اعظمی از کتابخانه دارالعلم در زمان تسلط صلاح الدین ایوبی بر مصر از میان رفت، اما بیشتر مجموعه دارالعلم فاطمی از یک کتابخانه مدرسه سر درآورد (ویلیکینز، ۱۹۹۱). از این تاریخ به بعد، با ظهور مدارس نظامیه، دوره جدیدی در سیر حرکتی کتابخانه های حوزوی آغازیدن گرفت که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

### ۳- دوره پس از ظهور مدارس و کتابخانه های نظامیه تا انحطاط سلسله صفوی در ایران

#### ۳-۱- پیدایش و گسترش مدارس دینی

همانگونه که پیش از این از نظر گذشت، سال ۴۵۹ هجری، نقطه عطفی در تاریخ کتابخانه های مدارس علمیه بشمار می آید، چرا که در این سال، یکی از اولین انواع مدارس به سبک و سیاق امروزی با نام مدارس نظامیه به دست خواجه نظام الملک، وزیر دربار سلجوقی تأسیس شد. یکی از دلایلی که برای ظهور و گسترش مدارس دینی در این سال ها ذکر کرده اند، سیر و سفر طلاب و علم دوستان به نقاط دور دست بوده است؛ چرا که در نظام آموزشی قدیم، ارزش علمی و کیفی هر حلقه یا بحثی، تنها وابسته به مدرّس آن بوده است و طالبان علم ناچار بودند تا برای فیض بردن از محضر استادان بنام، رنج مسافرت های طولانی را بر خود هموار کنند و چون معمولاً این افراد محلی برای اسکان نداشتند، رفته رفته اماکنی جهت آموزش و اسکان آن ها در نظر گرفته شد (سلطان زاده، ۱۳۶۴، ص ۳۹۲). اما پیش از آغاز بحث در خصوص تاریخچه و کم و کیف گونه های اولیه مدارس علمیه و کتابخانه های وابسته به آن ها، ذکر چند نکته می تواند سودمند باشد. اول اینکه، با افول دولت شیعه مذهب فاطمیان مصر و نهایتاً سرنگونی این دولت بدست صلاح الدین ایوبی، نه

خود بر باید: اول اینکه نظامیه بغداد زیر نظر شخص نظام الملک اداره می شد. وی با صرف پول های گزاف جهت تأمین مخارج اساتید و شهریه طلاب، در تلاش بود تا مرکز خلافت عباسی را به دژ مستحکمی در برابر نفوذ دارالعلم و جامع الازهر مصر مبدل سازد. دوم اینکه، حمله خانمان سوز مغول، ضربات مهلکی بر پیکره شهر نیشابور و مدرسه نظامیه آن وارد کرد. اما بغداد از صحنه کارزار مغولان جان سالم به در برد و حمله هلاکو در سال ۴۵۶ هجری به بغداد آنچنان شدید نبود که شکوه و جلال مدرسه شهر را تحت تأثیر قرار دهد (همان، ص ۹۰).

### ۳-۲-۲- مدرسه نظامیه بغداد

با قدرت گرفتن ترکان سلجوقی و روی کار آمدن خواجه نظام الملک، شهر بغداد بار دیگر به مرکز ثقل امور سیاسی، اجتماعی و علمی در شرق بلاد اسلامی مبدل گردید. شروع ساخت بنای مدرسه را سال ۴۵۷ هجری و اتمام و شروع به کار آن را سال ۴۵۹ هجری دانسته اند. مدرسه نظامیه بغداد، از چنان جایگاه علمی بالایی برخوردار بود که تدریس در چنین مدرسه ای برای بسیاری از استادان جزو مهم ترین افتخارات زندگی شان بشمار می آمد. در بخشی از کتاب «مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن» در خصوص اعتبارات مالی نظامیه آمده است: «خواجه نظام الملک سالانه ۶۰۰ هزار دینار به مصرف ساختمان مدارس و کمک به اهل علم اختصاص داده بود. بنابر نوشته ابن جبیر، خواجه ۲۰۰ هزار دینار از مال خویش را در راه بنای مدرسه بغداد صرف کرد» (کسای، ۱۳۵۸، ص ۱۱۴).

### ۳-۲-۳- مدرسه مستنصریه

تأسیس مدرسه مستنصریه در سال ۶۳۱ و حمله هلاکو در سال ۶۵۶ هجری تا حدود زیادی از منزلت و جایگاه علمی نظامیه بغداد کاست. مدرسه مستنصریه، همانگونه که از نام آن بر می آید، بدست خلیفه المستنصر بالله و به تقلید از نظامیه بغداد تأسیس شد. المستنصر که در میان آل عباس به علم دوستی و دانش پروری شهره بود، کوشید تا ضمن گسترش نفوذ علمی عباسیان در دستگاه خلافت، از طریق پرداخت حقوق و مزایای مکفی به کارکنان و مدرسان مدرسه، از گستره توجه علم آموزان و دانش پژوهان به نظامیه بغداد بکاهد که تا حدود زیادی نیز در این کار توفیق یافت (همان).

تنها از روند رو به رشد گسترش عقاید شیعی در دارالعلم ها کاسته شد، که حتی خود دارالعلم ها نیز رفته رفته رو به افول نهادند. پس از شکست آل بویه شیعه مذهب بدست ترکان سلجوقی و فتح بغداد در سال ۴۴۷ هجری قمری، تقابل عقاید شیعی و سنی به اوج خود رسید. خواجه نظام الملک، از طریق پی ریزی پایه های اولین مدارس و دانش سراها در جهان اسلام، به رؤیای سلجوقیان در تحکیم موقعیت مذهب تسنن جامه عمل پوشانید. سیاست وی چنان بود که «اگر در شهری کسی را می یافت که در دانش سرآمد شده، برای او مدرسه بنا می کرد و موقوفاتی برای مدرسه قرار می داد. در مدرسه کتابخانه تأسیس می کرد... اگر استعداد تدریس و تعلیم در دانشمندی می دید او را در کار معاش بی نیاز می کرد» (سلطان زاده، ۱۳۶۴، صص ۱۱۶-۱۱۷). دوم آنکه، هر چند تأسیس مدارس نظامیه در ابتدا با سوگیری و فرقه گرایی های مذهبی همراه بود اما در ادامه، بسیاری از علما و فضلا را بر آن داشت تا به تقلید از روش خواجه نظام الملک، به گسترش دامنه مدارس در تمدن اسلامی اقدام نمایند. از این روست که در این دوره شاهد تأسیس مدارس علمی مختلف در جای جای حکومت اسلامی هستیم؛ مداری که در ساختار و تشکیلات سازمانی، و نه در ماهیت، تا حدود زیادی از مدارس نظامیه تأثیر پذیرفته بودند. نظامیه هایی که در شهرهای بلخ، مرو، نیشابور، هرات، اصفهان، بغداد و موصل بنا شدند از جمله مهم ترین این نظامیه ها بشمار می آیند (اشراقی و دیگران، ۱۳۵۳، ص ۱۹۹).

### ۳-۲-۳- برخی از مدارس مهم و تأثیر گذار در

#### تمدن اسلامی

### ۳-۲-۱- مدرسه نظامیه (بیهقیه) نیشابور

مختصر اطلاعاتی که از شرح حال استادان و دانش آموختگان این مدرسه به ما رسیده مؤید این نکته است که نظامیه نیشابور از نظر تعداد مدرسان و فقهای مشهوری که در آن به تعلیم و تعلم اشتغال داشته اند و نیز از نظر کیفیت کار در مقایسه با نظامیه بغداد در درجه دوم اهمیت قرار داشته است. در مورد سال تأسیس این نظامیه اطلاعات دقیقی در دست نیست ولی شواهد و قرائن حکایت از آن دارد که تأسیس نظامیه نیشابور چند سال پیش از نظامیه بغداد و با نخستین سال های سلطنت آل ارسلان مقارن بوده است (کسای، ۱۳۵۸، ص ۸۶). این نظامیه به دو دلیل نتوانست گوی سبقت را از همتای بغدادی

### ۳-۳- کتابخانه های مدارس نظامیه

در تمام طول تاریخ آموزش در اسلام، کتاب و کتابخانه همواره یار و مددکار علم دوستان و فراگیران دانش بوده است. مدارس علمیه به عنوان اولین مؤسسات آموزش عالی در اسلام، هیچگاه بدون کمک و یاری منابع آموزشی اندوخته شده در کتابخانه ها قادر نبودند تا رسالت خطیر پرورش فکری مسلمانان علاقه مند به فرهنگ و معارف اسلامی را به نحو احسن به انجام برسانند. در نتیجه، هر کجا که مدرسه ای در بلاد اسلامی بنا شده، کتابخانه ای نیز جهت حمایت از برنامه های آموزشی و پژوهشی آن در جوار مدرسه ساخته شده است. مجموعه سازی در اینگونه کتابخانه ها همچون بسیاری از کتابخانه های نسل های پیشین بر پایه نظام وقف استوار بوده است. خلفا، امراء، وزراء، اساتید و هر آن کس که به نوعی به کتاب و کتابخانه علاقه مند بودند و با مدارس در ارتباط بوده است بر خود فرض می دانسته تا به نوعی در تقویت و غنی سازی مجموعه کتابخانه مشارکت جوید.

هر چند که در مورد زمان دقیق تشکیل اولین کتابخانه مدرسه در بلاد اسلام اطلاعات چندانی در دست نیست، اما می توان گفت که کتابخانه ای که در مدرسه بیهقیه نیشابور وجود داشته بیشترین قدمت را دارد (محمود ساعتی، ۱۳۷۴، ص ۸۱). کمتر مدرسه ای را در تمام بلاد اسلامی می توان یافت که فاقد کتابخانه بوده باشد. نقل است که کتابخانه وابسته به مدرسه نظامیه بغداد از حیث غنای مجموعه، سرآمد کتابخانه های زمان خود بوده است. (شلیبی، ۱۳۶۱، ص ۱۵۸). در مورد کتابخانه مدرسه مستنصریه نقل شده است که تعداد ۱۳۰ باربر، کتاب های شخصی خلیفه را به محل کتابخانه حمل کردند. تعداد این کتاب ها را هشت هزار جلد عنوان کرده اند (همان، ص ۱۵۹). افرادی که در این کتابخانه ها به کار حفظ و نگهداری از کتب و امانت دادن آن ها اشتغال داشتند، به خازن (کتابدار) معروف بودند و عموماً در شمار مشاهیر علمی زمان خود قرار داشتند. نقل است که خواجه نظام الملک پس از تأسیس کتابخانه مدرسه نظامیه، فردی را به سمت خازنی آن منصوب کرده است. این موضوع حکایت از آن دارد که خواجه برای اداره تشکیلات کتابخانه ارزش ویژه ای قائل بوده است. در کتاب «مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن» در این خصوص آمده است:

«تأسیس کتابخانه در مدارس نظامیه، به ویژه نظامیه بغداد، از رویدادهای علمی آن زمان بوده است. زیرا در این کتابخانه کتب دلخواه مطابق اصول صحیح کتابداری امروز در دسترس استادان و دانشجویان قرار می گرفت و کتابخانه و کارکنان آن بخشی از سازمان آموزشی نظامیه را تشکیل می دادند (کسائی، ۱۳۵۸، ص ۱۷۶). به طور کلی مهم ترین خصوصیات حاکم بر کتابخانه- های مدارس را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- پشتیبانی همه جانبه خلفا، امراء، وزراء، دانشمندان و مردم کتاب دوست از کتابخانه ها؛
  - تمسک جستن به نظام وقف در تهیه کتاب برای کتابخانه ها؛
  - انتصاب افرادی کاردان و عالم برای تصدی شغل خازنی؛ و
  - همجواری کتابخانه ها و مدارس به منظور سهولت دسترسی برای استفادکنندگان.
- همانگونه که پیش از این اشاره شد، اقتدار دویست ساله مدارس نظامیه، با حمله هلاکوخان مغول از هم پاشید. با این حال، نهضت آموزشی مسلمانان در دیگر نقاط سرزمین اسلامی ادامه یافت.

### ۳-۴- از حمله مغول تا تأسیس سلسله صفوی

#### ۳-۴-۱- پیامد های حمله مغول

حمله مغول به ایران، برگ جدیدی در تاریخ کتابخانه های مدارس دینی بشمار می آید. هجوم مغول به غرب آسیا و شرق اروپا، مخصوصاً در ایران باعث قتل میلیون ها نفوس انسانی و ویرانی شهرهای پرجمعیت و آباد و مراکز علمی و فرهنگی گردید. کتابخانه هایی که حاصل تجربیات چند صد ساله دانشمندان و مشاهیر ایرانی بود از بین رفت و باعث رکود علم و صنعت و فرهنگ در این مرز و بوم شد (اشارقی و دیگران، ۱۳۵۳، صص ۲۱۴-۲۱۵). بیانی در کتاب «دین و دولت در ایران عهد مغول» در خصوص این واقعه می نویسد: «لطمه ای که بهنگام تهاجم چنگیز در مناطق مسلمان نشین به اسلام وارد آمد بسیار شدید و طاقت فرسا بود... جریان اسلام از زمان تهاجم چنگیز به ایران، به دلیل تخریب مساجد و سوزاندن کتب و کتابخانه ها و تعطیلی کلیه مدارس و مساجد با قتل و فرار و جا به جا شدن روحانیون بکلی متوقف شد» (بیانی، ۱۳۶۷، ص ۱۲۳). نیز در کتاب «تاریخ مدارس ایران» از قول عطا ملک جوینی در خصوص این واقعه آمده

خوشنویس و صحاف به کار مشغول بودند (همان، ص ۲۴۳). هر چند که وضعیت کتابخانه های حوزوی در عصر نوادگان تیمور، در مقایسه با دوره ایلخانان مغول، در شرایط بهتری بود، اما به طور کلی دوره سیصد ساله پس از سقوط خلافت عباسی تا تأسیس سلسله صفوی را باید دوره رکود نسبی کتابخانه های اسلامی بحساب آورد.

### ۳-۵- عصر صفوی: دوره آشتی دین و دولت

سلسله صفوی، به لحاظ تأثیرات ملی و مذهبی ای که بر تاریخ ایران بر جای نهاده است، می تواند جزو مهم ترین و تأثیرگذارترین دوره ها در ایران بشمار آید. ایران، تا پیش از تأسیس و استقرار دولت صفوی، عرصه تاخت و تاز و ملوک و طوایف مختلفی بود که هر یک در برهه ای از زمان به انحای مختلف زمام امور بخش یا ناحیه ای را بدست می گرفتند و پس از چندی توسط قوم یا طایفه ای دیگر نابود می شدند. یکی از دستاوردهای شاه اسماعیل در بدو تأسیس سلسله صفوی، حذف کامل این نظام ملوک الطوایفی به کمک سپاه قزلباش و برقراری حکومتی واحد در کشور بود. سلسله صفوی در ایران، به لحاظ گرایش های مذهبی سلاطین آن، نمودی از آشتی و پیوند دین و حکومت بشمار می آمد. به یمن وجود این دولت بود که مذهب تشیع، که تا آن زمان به دلیل وجود حکومت های مقتدر و فراگیر سنی مذهب در بلاد عرب و عجم، فرصتی برای عرض اندام نداشت، به یکباره در تمامی شئون زندگی مردم، چه عالمانه و چه آمرانه، وارد شد؛ تا آنجا که، در این دوره شاهد حضور فضلا و روحانیون شیعه در دربار سلاطین صفوی هستیم که حتی برخی از آن ها تا مقام صدارت و قضاوت پیش رفتند. «صدارت و قضاوت که کار رسیدگی به امور شرعی را در اختیار داشت نمی توانست به یک صوفی یا حکیم سپرده شود، چرا که اداره این امور نیاز به فقه و شریعت داشت. در اینجا بود که در اواخر دولت شاه اسماعیل، به آرامی پای فقهای شیعه در حد اداره امور شرعی و قضایی در دولت صفوی باز شد» (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۳۷۵).

لفظ عالم در زمان صفوی، بیشتر به علمای دین اطلاق می شد، حتی علمایی که بیشتر در نجوم و فلسفه و غیره تبحر داشتند اکثراً عالم مذهبی بوده و کتاب هایی در خصوص احکام دین و مذهب نگاشته اند (اشارقی و دیگران، ۱۳۵۳، ص ۲۵۹). پر واضح است

است: «دگرگونی روزگار، تأثیر چرخ گردون، گردش دوران پست و کشمکش جهان رنگ و وارنگ، باعث شد مدارس درس فرسوده، و دانشمندان ناپدید، و دانشجویان [اطلاب] بدست لگدکوب حوادث، پایمال زمانه ستمگر و روزگار حيله گر شدند و در رنج و اندوه و آشوب گرفتار گشتند. اینان یا در معرض پراکندگی قرار گرفتند یا از دم تیغ آبدار گذشتند» (سلطان زاده، ۱۳۶۴، ص ۱۷۳). تخریب و تعطیلی مساجد و مدارس علمیه و مکان های مقدس، قتل فضلا و عرفا و فرار و دربدری ایشان، همطراز قرار دادن «پاسا» در برابر قرآن و دگرگون سازی آیین و عقاید اسلامی، از جمله پیامدهای حمله مغولان به ممالک اسلامی بشمار می آید (همان، ص ۱۲۸).

### ۳-۴- تیموریان و اوضاع کتابخانه های دینی

هنوز ملت ایران کشتار چنگیز و هلاکو را از یاد نبرده بود که دچار یورش های امیر تیمور شد. تیمور در عرض ۲۵ سال، حیظه متصرفات خود را از ماوراءالنهر تا آسیای صغیر بسط داد، سلاطین مصر و عثمانی را دست نشانده خود ساخت، حتی مسکو را نیز به باد غارت گرفت و در نهایت بهنگام لشکرکشی به چین بود که در نزدیکی شهر فاراب دیده از جهان فرو بست (۸۰۷ هجری). با این حال، بعد از مرگ تیمور، با وجود آنکه نوادگان وی تا سال ۹۲۹ هجری در ایران حکومت می کردند، لیکن هیچگونه عمل برجسته نظامی در تاریخ زندگی آنان مشاهده نشد. دوره جانشینان تیمور، برخلاف دوره بی ثبات و پرهیاهوی مغولان، دوره ای سرشار از آرامش و صلح بود و حتی برخی از پادشاهان این خاندان همچون شاهرخ و سلطان حسین بایقرا مردمانی صلح جو و دانش پرور بودند (اشارقی و دیگران، ۱۳۵۳، ص ۲۳۰).

در این زمان، ثروت و پول زیادی از خزانه های دولتی صرف تعلیم و تربیت و معاش هنرمندان و ادبا و فضلا می شده است. از اواخر قرن هشتم، در گوشه و کنار قلمرو تیموریان، بساط خانقاها، مدارس و حوزه های علمیه دایر شد و در زمان سلطان حسین بایقرا به اوج عظمت خود رسید (همان، ص ۲۴۲). در این دوره، کتابخانه های بزرگی تأسیس شد که دارای انواع و اقسام کتب در رشته های علمی، ادبی، فقه، اصول، کلام و فلسفه بودند. نقل است که بایسنقر میرزا، پسر شاهرخ، کتابخانه و مدرسه ای تأسیس کرد که در آن چهل هنرمند از قبیل نقاش،



که از حکومتی، آن هم با چنین تأکیدی بر مذهب، جز این هم انتظار نمی رفت که در آن روحانیون از جایگاه ویژه ای بهره مند باشند. از جمله علما و فضایی که در دربار سلاطین صفوی آمدو شد و بر امور آن ها نظارت داشتند می توان به اشخاص زیر اشاره کرد: شیخ بهایی، میرداماد، آخوند ملا محمد تقی مجلسی، فیض کاشانی، محقق سبزواری، آقا حسین خوانساری و علامه محمد تقی مجلسی.

### ۳-۵-۱- عصر صفوی و گسترش مدارس علمیه

تحقق آنچه که روحانیون شیعه، پس از سال ها سکوت و تقیه در سر می پروراندند، بدون بهره مندی از مراکزی جهت ارائه آموزه های دینی و مذهبی امکان پذیر نبود. در چنین شرایطی بود که تأسیس مدارس علمیه و به تبع آن کتابخانه های حوزوی، به ویژه به دلیل رواج دوباره سنت وقف، بالیدن گرفت و در سراسر ایران از جمله شهرهایی همچون اصفهان، تبریز، قم، کاشان و مشهد رو به فزونی نهاد. اصولاً در این دوره، هیچ مدرسه یا مسجدی بدون موقوفه ساخته نمی شد، چرا که در غیر این صورت، امکان اداره مالی آن وجود نداشت (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۱۱۸). «به طور معمول برای هر مدرسه علمیه، روستاها و دکان هایی وقف می شد که درآمد آن ها می بایست صرف هزینه های جاری مدرسه از قبیل شهریه طلاب، تأمین روشنایی، تعمیرات و برگزاری جشن ها و اعیاد می شد (همان، ص ۳۱۶).

از مهم ترین مدارس علمیه ای که در عهد صفوی در اصفهان بنا شد می توان به موارد زیر اشاره کرد: مدرسه ملا عبدالله شوشتری (در حاشیه میدان نقش جهان)، مدرسه نوریه (در نزدیکی مسجد جامع عتیق)، مدرسه جده بزرگ (در بازار اصفهان)، مدرسه جده کوچک (در بازار قهوه کاشی ها) و مدرسه چهار باغ. نقل است که تعداد مدارس دینی در اصفهان عهد صفوی به پنجاه و هفت باب می رسیده است (سلطان زاده، ۱۳۶۴، ص ۲۵۶).

### ۳-۵-۲- عصر صفوی و گسترش کتابخانه های

#### حوزوی

در طول تاریخ صفوی هر زمان که از مدرسه علمیه و آموزش تعالیم و آموزه های دینی سخن به میان رفته است، رد پای از کتاب و کتابخانه نیز در آن نمایان است و هر زمان که مدارس علمیه در اوج و شکوفایی بوده، کتابخانه های وابسته به مدارس

مذکور نیز از ارج و قرب برخوردار بوده اند. از جمله کتابخانه های منسوب به عصر صفوی که عمدتاً ماهیتی مذهبی داشته اند می توان به کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه حرم حضرت عبدالعظیم، کتابخانه بقعه شیخ صفی و نیز کتابخانه های مدارس علمیه، که مهم ترین های آن ها در اصفهان واقع بودند، اشاره کرد. مدرسه چهار باغ اصفهان از شاخص ترین بناهای عصر شاه سلطان حسین صفوی است که به لحاظ معماری و کتابخانه اش در میان سایر بنا های این دوره از اهمیت برخوردار است. این مدرسه در سال ۱۱۲۱ هجری رسماً افتتاح شد. تعداد حجره های آن را یکصد و پنجاه و شش مورد ذکر کرده اند (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۴۲۳). این مدرسه دارای کتابخانه ای بوده که ظاهراً از اصول و ضوابط خاصی در اداره آن پیروی می شده است. در بخشی از وقفنامه بر جای مانده از این کتابخانه درباره چگونگی به امانت دادن کتاب، اینگونه آمده که عیناً از کتاب «صفویه از ظهور تا زوال» نقل می شود:

همیشه در ضبط و تحویل کتابداری [کتاب هایی] که به جهت مدرسه مبارک مذبوره تحویل می شود [کوشا] بوده هر یک از طلبه عظام سکنه مذکوره که محتاج به آن ها باشند به تجویز مدرس مدرسه مزبوره بگیرند و به قدر احتیاج نگاه داشته از آن منتفع شوند و زیاده از حد احتیاج نگاه ندارند و اگر کسی از شیعیان غیر ساکنین آن مدرسه محتاج به آن ها باشد و خواهد، بعد از تجویز مدرس به کتابدار مذکور سپارد و کتاب را گرفته به وقت احتیاج نزد خود نگاه داشته... و اگر مدرسه خاطر به او جمع ننماید و مناسب داند، رهن از او گرفته، کتاب را به او دهد (ص ۴۵۳).

از سطور فوق نکاتی چند در خصوص کتابخانه های حوزوی عصر صفوی به شرح زیر قابل استفاده است: اول اینکه طلاب قادر بودند تا آزادانه کتاب های مورد نیاز خود را به اذن مدرس مدرسه از کتابخانه به امانت بگیرند. بنابراین کمبود تعداد نسخ خطی و بعضاً منحصر به فرد بودن آن ها هیچگاه مانع از امانت دادن آن ها نمی شد. دوم آنکه، استفاده از کتب کتابخانه صرفاً مختص طلاب و ساکنان مدرسه نبود و هر فردی به وقت احتیاج می توانست از کتابخانه حوزه، کتاب به امانت بگیرد. بی جهت نیست که کتابخانه های وابسته به مدارس علمیه را سرمنشأ پیدایش کتابخانه های عمومی در ایران دانسته اند. نکته سوم آنکه، در وقت لزوم، مبلغی جهت وجه

عصیت صوفیانه، فساد و تباهی در میان درباریان، و بی کفایتی شاه سلطان حسین، توسط محمود افغان ساقط شد. دوران حکومت هفت ساله افغانه در ایران (۱۱۳۵-۱۱۴۲)، دوره سیاه کتابخانه های حوزوی بشمار می آید. میراث عظیم فرهنگی عصر صفوی در جریان تسلط افغانه بر اصفهان و برخی شهرهای دیگر، موجب شد تا حدودی از رونق حوزه های علمیه و کتابخانه های وابسته به آن ها در آن عهد کاسته شود.

الضمان از افرادی که غیر مطمئن شناخته می شدند در قبال تحویل کتاب دریافت می شد.

### ۳-۵-۳- پایان عصر صفوی و آغاز عصر جدید

سلسله صفوی با تمام خدماتی که به فرهنگ و تدین ایران زمین نمود بالاخره در سال ۱۱۳۵ هجری به موجب عواملی همچون تضعیف سپاه قزل باش، نابودی

#### فهرست منابع

۱. اشارقی، حمد الله، و دیگران. سیری در تاریخ فرهنگ ایران. اصفهان: کتابفروشی ثقفی، ۱۳۵۳.
۲. جعفریان، رسول. صفویه از ظهور تا زوال (سال های ۹۰۵ تا ۱۱۳۵ هجری). تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
۳. چلونگر، محمد علی. " دارالعلم قاهره: کتابخانه و مرکز علمی، آموزشی و تبلیغاتی فاطمیان ". مشکوه، شماره ۸۲، بهار ۱۳۸۳.
۴. سلطان زاده، حسین. تاریخ مدارس ایران. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۴.
۵. شلبی، احمد. تاریخ آموزش در اسلام. ترجمه محمد حسین ساکت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
۶. کسائی، نورالله. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
۷. محمود ساعتی، یحیی. وقف و ساختار کتابخانه های اسلامی. ترجمه احمد امیر شادمهری. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۴.
۸. مزینانی، علی. کتابخانه و کتابداری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۲.
۹. مکی السباعی، محمد. تاریخ کتابخانه های مساجد. ترجمه محمد عباس پور و محمد جواد مهدوی. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۳.
۱۰. مکی السباعی، محمد. نقش کتابخانه های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۱. ویلکینز، لزلی. "کتابخانه های اسلامی تا سال ۱۹۲۰". ترجمه زاهد بیگدلی. کتابداری و اطلاع رسانی، دوره اول، شماره چهارم، تابستان ۱۳۷۷: ۳-۲۸.